

● بانو در آینه (مجموعه داستان)

● ویرجینیا وولف

● ترجمه فرزانه قوجلو

● انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۸۶

● ۲۵۲ ص، ۳۰۰۰ تومان

در تحلیل ادبیات داستانی ویرجینیا وولف، می‌توان آثار او را در دو گروه طبقه‌بندی کرد. یکی داستان‌های بلند و دیگری قصه‌های کوتاه‌اش (در اینجا دیگر آثار وولف مانند مقاله‌های اجتماعی و نقدهای ادبی‌اش را کنار می‌گذاریم). وولف ادبیات داستانی کوتاه‌تر خود را در تقابل با شیوه‌ی سنتی قصه‌ی کوتاه آفرید. به گفته‌ی خودش قصه‌های او بیش از آن که «روایی» باشند دارای «ریتم‌اند.» او در یکی از گفت‌وگوهایش می‌گوید: «گرچه ادبیات موزون برای من از ادبیات روایی طبیعی‌تر است، این نوع ادبیات کاملاً در تضاد با سنت ادبیات داستانی قرار می‌گیرد.» وولف به‌رغم دشواری‌های این نوع قصه‌پردازی نمی‌توانست در برابر «وسوسه‌ی پرواز و گریز» مقاومت کند و خواهرش ونسا را ترغیب می‌کرد که از او پیروی کند «من دلم می‌خواهد تو تصویری بزرگ، بسیار بزرگ نقاشی کنی که در آن همه چیز را در کنار هم بگذاری و با این وجود همه چیز، گویی افسون شده‌اند، از بوم نقاشی‌ات پروازکنان می‌گیرند.»

تمام دشواری‌های آمیزه‌ی خلوت و تنهایی با حرکت و جنبش در قصه‌های کوتاه وولف هویداست، شور و سودا و طفره رفتن، سبک جدایی‌ناپذیر وولف در تجربه‌گرایی جسورانه‌ی او است که با تک‌گویی درونی همراه می‌شود و تلاش‌های او را برای «رهایی از چنبره و محدودیت‌ها» آشکار می‌سازد.

وولف رمان‌نویسان روسی را می‌ستود و با آنها موافق بود که تجربه‌ی گسسته و آشفته را باید در ادبیات داستانی گنجانند. وولف از قصه‌ها سود می‌جست تا مفاهیمی را انتقال دهد که آشکارا به جایی ختم نمی‌شد و یا جزیی از وحدتی گسترده‌تر نبود.

اما وولف بعدها در بازنگری و شاید با اندکی بررسی تخصصی‌تر در نامه‌ای دیگر چنین می‌گوید (به اتیل اسمیت): «هرگز روزی را فراموش نمی‌کنم که لکه‌ی روی دیوار را نوشتم. همه را در یک آن نوشتم، انگار به سویم پرواز می‌کرد، بعد از آن که ماه‌ها مثل سنگ بودم. رمان نانوشته کشفی بزرگ بود. این قصه - در یک لحظه - به من نشان داد چطور می‌توانم همه‌ی اندوخته‌ی تجربه‌ام را به شکلی مناسب تجسم بخشم - و هرگز به آن انتها نرسیده‌ام، از تونلی که ساختم نقب زدم و دیدم که وقتی شیوه‌ی نگرشم را کشف کردم، مثل اتاق جاکوب، خانم دالووی و...، چطور از هیجان لرزیدم.»

قصه‌های کوتاه وولف شاید «فوران جنون‌آمیز آزادی» باشد اما محیط پیرامون این قصه‌ها شهری است و معمولی «خیابان رجننت... معاهده... شیوع آنفولانزا...» وولف در آرزوی تجسم کسالت، وحشت و واقعیت جهان روزمره با تی. اس. الیوت همداستان می‌شود.

این قصه‌ها انزوایی اساساً کور را که ما در آن به سر می‌بریم یادآور می‌شوند. انگار وولف می‌خواهد بگوید که شاید ساختار گروه در برابر ساختار فردی از حیث مضمون با قصه‌ی کوتاهی سازگارتر است که به واکنش فرد بیش از واکنش گروه ارجح می‌نهد. علاقه‌ی وولف به صدای غیرانسانی، صدای اشیای خاموش یا اشیاء در طبیعت، (برای مثال در خانه‌ی اشباح) او را در تجربی‌ترین وجه خود نشان می‌دهد. نثر شاعرانه‌ی قصه‌های کوتاه، وولف را یگراست به غایت مدرنیسم در رمان‌های بعدی‌اش می‌رساند. از همین روست که قصه‌های کوتاه این نویسنده از اهمیت و ارزشی بسیار برخوردارند و ناقد ادبی امروز اگر بخواهد آثار وولف را مورد نقد و بررسی قرار دهد نمی‌تواند از کنار قصه‌های کوتاه او بگذرد چرا که این قصه‌ها نقشی اساسی در تبیین وولف، سبک ادبی او، شیوه‌ی تجربی و دیدگاه‌های اجتماعی و هنری‌اش بر دوش می‌کشند و شاید بتوان گفت فراتر از همه‌ی این‌ها بازگوکننده‌ی آن وجه درونی، پیچیده و مضطرب وولف‌اند در رویارویی با جهانی که هر لحظه به سوی نابودی خود گام برمی‌دارد. از یاد نبریم که وولف نویسنده‌ای است محصول دو جنگ جهانی. او که جنگ جهانی اول را با تمام وجود خود تجربه کرده، اینک اروپا را در آستانه‌ی جنگی دیگر می‌بیند، می‌داند که مرگ و ویرانی بر اروپایی جنگ انداخته که او عاشقانه دوستش دارد.

# بانو در آینه و پرجینیا ولف

فرزانه قوجلو  
مجموعه داستان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



مؤسسه انتشارات نگاه

نثر شاعرانه‌ی وولف در تضاد و تقابل با این جهان خشن و درنده‌خو قرار می‌گیرد. قصه‌های کوتاه او که از تجربی‌ترین و درونی‌ترین لحظاته‌ش سر برمی‌آورند، آشفتگی و اضطراب او را به بارزترین وجهی به نمایش می‌گذارند. در این قصه‌ها وولف محدوده‌های ادبیات داستانی را نه فقط با طرحی آنقدر دقیق از زندگی درونی بسط می‌دهد بلکه نفوذ بین درون و بیرون، خود و دیگری را عمق می‌بخشد. هیچ چیز در متن قصه‌ها به خواننده اجازه نمی‌دهد تا واقعیت را بر تخیل «برتری» دهد (یا برعکس). هنر و زندگی به طور مداوم با تهاجم دیگر واقعیت‌های نهفته همواره جایگزین یکدیگر می‌شوند.

در تحلیل نهایی، به نظر می‌رسد که قصه‌های وولف، در غایت خود، به آن چیزی دست می‌یابند که راوی قصه‌ی بانو در آینه آنقدر از توصیف آن نگران است. «اما تواز چیزهایی که در موقع شام درباره‌شان حرف می‌زد خسته بودی. می‌خواستی به حالت ژرف‌تر او دست‌یابی و بر زبان آوری. حالتی که به ذهن راه دارد مثل نفس کشیدن که به جسم، آن چه را که نیک‌بختی یا نگون‌بختی می‌نامی.» (صفحه ۹۲)

قصه‌های کوتاه ویرجینیا وولف مشتمل بر ۲۲ قصه با عنوان بانو در آینه توسط انتشارات نگاه روانه بازار نشر شده است.

## دانشنامهٔ ادب فارسی

ادب فارسی در جهان عرب

(جلد هفتم)

An Encyclopedia of Persian Literature

(Vol.7)

Persian Literature in Arab World

به سرپرستی: حسن انوشه

تهران ۱۳۸۶

## ● شاخه های شوق

● یادگارنامه بهاءالدین خرمشاهی

● بکوشش علی دهباشی

● دو مجلد، ناشر، نشر قطره و شهاب، تهران، جلد اول ۱۱۳۶ صفحه جلد دوم ۱۱۰۰ صفحه

● اندازه وزیری، چاپ اعلا

در میان مجموعه های یادگارنامه ها، یادنامه ها، بزرگداشت نامه ها، یادواره ها، نامواره ها (...)) که نگارنده دیده ام و با همکاری درست دیرینه ام آقای احمد شکیب آذر فهرست توصیفی آنها را فراهم آورده ایم باید به نظر خوانندگان ارجمند برسانم که این یادگارنامه یکی از بهترین یادگارنامه هایی است که دیده ام. نگارنده با استاد ارجمند آقای بهاءالدین خرمشاهی هیچگونه آشنایی ندارم و جناب خرمشاهی هم مسلم مرا نمی شناسد. من این استاد گرامی را از روی آثار بسیارش می شناسم و آرزو می کنم که فرهنگ ما در تمام ادوار بزرگانی چون آقای خرمشاهی داشته باشد. کاری را که استاد خرمشاهی درباره حافظ انجام داده یکی از کارهای ماندگاری است که درباره حافظ انجام شده. آقای علی دهباشی مدیر مجله گرانقدر بخارا تیم مخصوصی در زمینه تدوین و تألیف این گونه کتب دارد. از ایشان شنیدم مقالات یادگارنامه استاد خرمشاهی بیش از این مقداری است که در این دو مجلد آمده است. استاد خرمشاهی رضایت ندادند که همه آن مقالات به چاپ برسند. نظرشان این است که مطول شدن کتاب قیمت آن را بالا می برد و به این سبب برخی از اهل قلم و برخی از دانشجویان قادر به خرید آن نیستند. فهرست مندرجات کتاب ۱۸ صفحه است و اگر بخواهم فهرست کامل مندرجات را نقل کنم از حوصله یک مجله ماهیانه خارج است بنابراین به هر بخشی اشاره می کنم که نموداری از خروار است و می تواند اشاره ای کوتاه به فهرست مطالب در نظر خوانندگان باشد:



۱. فهرست مندرجات از صفحه ۱۹ - ۴۵
۲. درباره بهاء‌الدین خرمشاهی از صفحه ۴۷ - ۳۶۱
۳. قرآن پژوهی از صفحه ۳۷۱ - ۶۲۹
۴. حافظ پژوهی از صفحه ۶۳۵ - ۹۵۳
۵. ادبیات فارسی از صفحه ۹۶۳ - ۱۳۰۵
۶. زبان‌شناسی از صفحه ۱۳۱۳ - ۱۳۷۵
۷. دین پژوهی از صفحه ۱۳۸۵ - ۱۴۴۷
۸. عرفان از صفحه ۱۴۸۵ - ۱۵۵۵
۹. فلسفه از صفحه ۱۵۶۹ - ۱۶۵۵
۱۰. ایران باستان از صفحه ۱۶۶۷ - ۱۷۱۷
۱۱. تاریخ از صفحه ۱۷۲۱ - ۱۸۳۳
۱۲. هنر از صفحه ۱۸۴۵ - ۱۸۷۱
۱۳. موضوعات دیگر که مقالاتی است از دکتر حسن حبیبی درباره تفسیر حقوقی قانونی و قضایی؛ کتاب در عصر جهانی شدن ترجمه پوری سلطانی؛ پزشکان فرهنگ‌پرور از محمد حسین عزیزی؛ شعرهای شیرین آزادی؛ اطلاع‌رسانی از علی

میرزایی؛ چه کتاب‌هایی برای من جالب بوده‌اند از سید عباس سید محمدی.

۱۴. شعر: محتوای ۲۷ قطعه شعر از گویندگان مختلف که عبارتند از استاد سیمین بهبهانی، مفتون امینی، موسوی گرمارودی، بهاء‌الدین خرمشاهی، عمران صلاحی، اکبر اکسیر، قیصر امین‌پور، نسرين بهجتی، پدرام پاک‌آئین، احمد جلیلی، حداد عادل، خرم فزونی، ذره‌دادجو، علیرضا رضایی، تورج زاهدی، ایرج زبردست، سید محمود سجادی، سیروس شمیسا، فرهاد طهماسبی، سید رضا علوی، سید فضل‌الله قدسی، جمشید علیزاده، گودرزی، طائمه، مصطفی مجیدی، دکتر ضیاء موحد، پونه فدایی، قربان ولیی از صفحه ۱۹۵۱ - ۲۰۳۰.

۱۵. کتابنامه - مقاله‌نامه بهاء‌الدین خرمشاهی از صفحه ۲۰۳۱ - ۲۲۰۱

۱۶. تصاویر از صفحه ۲۲۱۵ - ۲۲۳۷

۱۶. پیشگفتار (به زبان انگلیسی) صفحه ۲۲۳۸

به اختصار به معرفی مطالب هر بخش کتاب اشاره کردیم. ناشر محترم نوشته کوتاهی در پشت جلد دوم کتاب دارد که نقل آن خالی از لطف نیست این آن نوشته کوتاه:

«شاخه‌های شوق عنوانی است برگرفته از شعر شادروان سهراب سپهری که برای یادگارنامه - جشن‌نامه بهاء‌الدین خرمشاهی (متولد ۱۳۲۴ قزوین) قرآن‌پژوه، حافظ پژوه و پژوهنده ادبیات قدیم و جدید فارسی، دین‌پژوه و مترجم کوشا و پرکار معاصر و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی انتخاب شده است. او به گفته دانشور فرزانه‌ای چون استاد کامران فانی رفیق‌خانه و گرمابه و گلستانش در میان متولدين پس از ۱۳۲۰ ش، پرکارترین پژوهنده و نویسنده است (با تألیف، ترجمه و تصحیح بیش از ۷۳ کتاب و یک‌هزار مقاله که کتابنامه و مقاله توصیفی خودنوشت او در همین کتاب آمده است). او بیش از ۱۲ کتاب در قرآن‌پژوهی و بیش از ۵۰۰ مقاله در همین زمینه، ۱۴ اثر در حافظ‌پژوهی و نزدیک به ۲۰ ترجمه و ۲۵ تألیف و ۱۰ اثر تصحیح شده دارد. و ۱۴ مجموعه از مقاله‌هایش هم، عمدتاً از سوی نشر قطره، به چاپ رسیده است. زندگینامه خودنوشت کوتاه او همراه با سالشمار زندگی در آغاز این مجموعه متشکل از ۱۳۲ مقاله و ۳۴ شعر از بزرگان علم و ادب امروز ایران است.»

دربارۀ جامعیت این مجموعه مقالات بسیار می‌توان نوشت. چون درباره شناخت مطالب آن و آثار و خوی و خصلت استاد مطالب بسیار در این مجموعه آمده سخن را کوتاه می‌کنم و خوانندگان گرامی بخارار را به اصل این مجموعه حواله می‌دهم. تن استاد خرمشاهی سالم و دلش شاد و دست و دلش به سرافرازی فرهنگ ایران به کار.